

معرفی کتاب

«وزن رازها» اثر «آکی شیمازاکی»  
**روایتی جذاب از جنبه‌های تاریک انسان و جوامع بشری**



وزن رازها اثر آکی شیمازاکی با ترجمه محمد جواد فیروزی در انتشارات نگاه منتشر شده است. آکی شیمازاکی نویسنده معاصر ژاپنی-کانادایی است که اگر چه آثار وی به زبان‌های بسیاری ترجمه شده‌اند، اما در ایران چندان شناخته شده نیست. «وزن رازها» نخستین رمان ترجمه شده وی به زبان فارسی است. او مانند بسیاری دیگر از نویسندگان ژاپنی که به سبک مینیمال و ایجاز گرایش دارند، به ساده‌نویسی و عدم اطبات تمایل دارد. اما می‌تواند در روایتی ساده و سراسر است، شخصیت‌های عمیق و پیچیده‌ای خلق کند. وزن رازها در واقع پنج داستان متفاوت است که پنج نوع شیوه اندیشه را به نمایش می‌گذارد که در روایتی خلاقانه و مدرن فضای داستان را طرح‌ریزی و قصه را تعریف می‌کنند. تصاویری هولناک از بمباران‌های ناگازاکی، حاکمیت ترس و خشونت تاریخی میان ژاپنی‌ها و کشورهای همسایه، سنت‌ها و رسوم پیچیده و کهن جامعه ژاپن، دغدغه‌های ملی و آینده مبهم کشور در مقابل آینه میراث تمدن گذشته، مضامین اصلی روایت شیمازاکی را در این کتاب دربر می‌گیرد. روایت نویسنده از جنبه‌های تاریک انسان و جوامع بشری، با فرم روایی جذاب و ضرب‌آهنگی سریع همراه شده است. وزن رازها کتابی است درباره‌ی آرزوهای حسرت‌نازها و ضعف‌های انسانی که در عین سادگی بار احساسی و معنایی نسبتاً عمیقی دارد و حاوی جهان‌بینی و نگرش نویسنده است. نگرشی که حول رویارویی انسان‌ها با سر نوشت خود و تضادهای سنت و مدرنیته در بستر مشکلات جنگ می‌گردد و ما را با شخصیت‌هایی جذاب به دنبال خود می‌کشد.

«خواهش می‌کنم ساکت باش» اثر «ریموند کارور»  
**نگاهی بسیار رُک و گاه بی‌رحمانه به انسان معاصر**



«خواهش می‌کنم ساکت باش» با ترجمه مصطفی شایان و اکرم شایان ترجمه و در نشر کوله پستی منتشر است. این مجموعه یکی از بهترین مجموعه داستان‌های ری‌موند کارور، نویسنده آمریکایی قرن بیستم، برای طرقدارنش است. کارور با وجود آنکه در هفتاد و شش سالگی درگذشت، اما پس از مرگ آن چنان تأثیری بر داستان کوتاه‌در قرن بیستم گذاشت که نام او آثارش جاودانه شدند. او داستان کوتاه‌مدن که دیگر قدرت دهه‌های قبل را نداشت و رو به تکرار گذاشته بود، در دهه ۸۰ میلادی بناآوری‌های خود احیا کرد. از مشهورترین آثار وی که پیش از این در ایران به چاپ رسیده‌اند، می‌توان به مجموعه داستان «کلیسای جامع» و داستان مشهور «وقتی از عشق حرف می‌زنیم» از چه حرف می‌زنیم» اشاره کرد.

داستان‌های ری‌موند کارور بسیار ساده و موج‌زد، اکثر آن‌ها به پیش پا افتاده‌ترین و رایج‌ترین مسائل زندگی عاطفی و شخصی افرادی می‌پردازد که خود بسیار ساده‌ویی تکلف‌اند؛ مانند اختلافات و دعوای زناشویی، شکست‌های شغلی، سوءتفاهم‌های رایج میان آدم‌ها در یک جمع، اعتیاد به الکل و غیره. کارور با مهارت فراوان، برشی از یک موضوع یا موقعیت روزمره و ساده را به داستانی جذاب تبدیل می‌کند. در واقع شاید همان سبکی باشد که امروزه به داستان‌های شهری یا پارتمانی شهرت یافته است. نظر گاه‌وی به انسان معاصر بسیار رُک و گاه بی‌رحمانه است. مجموعه داستان «خواهش می‌کنم ساکت باش» شامل داستان‌هایی است از سال‌های مختلف و بیشتر ابتدایی کار نویسنده، که برخی از آن‌ها پیشتر نیز ترجمه شده‌اند؛ مانند «همسایه‌ها» یا «شما دکترید». همین پراکندگی ترجمه و چاپ داستان‌های کوتاه ری‌موند کارور در ایران توسط ناشران و مترجمان مختلف در دو دهه گذشته باعث شده که امروز یک مجموعه یک دست، منسجم و کامل از داستان‌های او در دست خوانندگان نباشد.

**من به آن دست از نویسنده‌هایی که ادعای کنند درباره‌ی خودشان، زندگی‌شان و درباره‌ی دنیا همه حقیقت را می‌گویند، مشکوکم**

نمایشنامه‌ها و داستان‌ها هم، خودم تصویرسازی می‌کردم. اما وقتی به‌طور جدی وارد این کار شدم متوجه شدم طراحی‌هایم هیچ سبک و رو به‌ی‌ای ندارند و در این زمینه پیشرفتی نکرده بودم به همین علت از نقاشی فاصله گرفتم. بعضی آدم‌ها وقتی بی‌حوصله هستند چیزهایی را روی کاغذ می‌کشند. روی خودم بسیار کار کردم که حتی همین عادت را هم هیچ‌وقت تکرار نکنم.

**چگونه وارد فضای ادبی شهر تورین شدید؟ منظورم گروهی است که گیولیو اینودی، ناشر معروف آن سال هادور خودش جمع کرده بود و نویسندگان‌هایی مثل چزاره پازوره و ناتالیا گینزبورگ هم در آن جمع بودند.**

من خیلی شناسی وارد تورین شدم. زندگی واقعی من بعد از جنگ شروع شد. پیش از آن در شهر سانو زندگی می‌کردم که به کل از جریان‌های ادبی ایتالیا دور بود. وقتی تصمیم گرفتم از سانو موبروم، بین رفتن به تورین و میلان مردد بودم. دو نویسنده‌ای که اولین نوشته‌هایم را خواندند، پازوره و ویتورینی بودند. پازوره به تورین و ویتورینی در میلان زندگی می‌کرد. زمان گذشت و من هنوز نمی‌دانستم باید کجا بروم. برای همین برای رفتن به تورین بسیار با خود فکر کردم. سنت فرهنگی و سیاسی تورین را می‌شناختم. آنجا شهر روشن‌فکرهای ضدفاشیست بود و این آن قسبتم است. از وجود من را که یک پروتستان سفت و سخت بودم تحریک می‌کرد. تورین پروتستان‌ترین شهر ایتالیاست. نمی‌دانم شاید برای مذهب، شاید برای نام فامیلی‌ام (کالوینو همان کالوین در زبان انگلیسی است) و شاید برای خانواده‌ام که در مورد این مسائل اصلاً کوتاه نمی‌آمدند، به تورین آمدم. وقتی رفتم تورین پازوره مرا به اینودی معرفی کرد تا کاری برآیم دست و پا کند. من در دفتر تبلیغاتی انتشارات مشغول کار شدم.

رمان نویس‌ها دروغ گو هستند؟ اگر دروغ گو نیستند چه نوع حقیقتی را می‌گویند؟ نویسندگان آن بخشی از حقیقت را بیان می‌کنند که پشت هر دروغی پنهان شده است. برای یک روان‌کاو مهم نیست شما دروغ یا راست بگویید چون دروغ به اندازه راست‌گویی جالب است. من به آن دست از نویسندگان‌هایی که ادعای کنند درباره خودشان، زندگی‌شان و درباره دنیا همه حقیقت را می‌گویند، مشکوکم. من حقیقتی را می‌پسندم که در آثار نویسندگان‌هایی است که خودشان را یک دروغگوی بزرگ می‌نمایانند. هدفم از نوشتن «اگر شبی از شب‌های زمستان مسافری»، که رمانی فانتزی است، هم دقیقاً همین بود.

**و به عنوان سوال آخر، شما تحت تأثیر کدام نویسندگان مدرن قرار دارید؟**  
بی‌شک کافکا و رمان آمریکاز او یکی از کارهای مورد علاقه من است.

که حائز اهمیت است، امر نوشتن است و آن چه که بر کاغذ می‌آورد. برای نوشتن رمان بسیار آهسته شروع می‌کنم و تمام ایده‌های ممکن که تاکنون کار نشده‌اند را به کار می‌بندم. به عبارتی در نوشتن داستان کوتاه و حتی مقالات برای روزنامه‌ها هم این گونه‌ام و بسیار آهسته و کند شروع به کار می‌کنم، اما بعد از شروع به کار و روی غلتک افتادن، سرعتم شدت می‌گیرد. حکایت من حکایتان هنرمند چینی است که وقتی امپراطور از او خواست که تصویری از یک خرچنگ را بکشد، در پاسخ گفت: «من به ۱۰ سال زمان، یک خانه خوب و ۲۰ خدمتکار نیازمندم». ۱۰ سال گذشت و امپراطور از او سفارشی را که داده بود، درخواست کرد. پاسخ داد: «به دو سال زمان بیشتر احتیاج دارم». دو سال گذشت و مجدداً گفت: «یک هفته دیگر وقت می‌خواهم». سرانجام قلم خود را برداشت و بدون لحظه‌ای درنگ و بسیار سریع تصویر خرچنگ را کشید.

**آیا شما هر روز مشغول نوشتن هستید و یا تنها در ساعات و روزهای معینی می‌نویسید؟**  
قاعدتاً باید هر روز بنویسم. اما صبح‌ها راقطعاً با بهانه‌های احتمالی نظیر بیرون رفتن و خرید کردن و یا خرید روزنامه از دست می‌دهم. بنابراین عصر هامشغول نوشتن می‌شوم و البته شب‌ها هم می‌توانم بنویسم، اما به علت آن که نوشتن در شب سبب می‌شود که نتوانم بخوابم، بنابراین از این کار پرهیز می‌کنم.

**آیا شما برنامه معینی برای نوشتن دارید؟ یا این که تصمیم می‌گیرید کارهای مختلف را یک‌باره انجام دهید؟**  
من همواره تعدادی پروژه برای نوشتن دارم، همیشه لیستی از ۲۰ کتاب را در دست دارم تا بنویسمشان، اما این حال در لحظه تصمیم می‌گیرم که چه کاری را انجام دهم. من به واقع یک رمان نویس هستم، اما بسیاری از داستان‌های کوتاه‌ها به نوعی جمع‌آوری شده از متون مختلف هستند و عده‌ای از آن‌ها هم با وجود ساختار کلی و یکدستی که دارند باز جمع‌آوری شده از متون مختلف هستند. ساختار کتاب و شکل دادن به یک ایده‌ها بسیار مهمی است که من زمان زیادی را صرف این امر می‌کنم و گاه‌وقت نمی‌توانم ایده‌ها را آن طور که می‌خواهم به سرانجام برسانم؛ از نو با ایده دیگری شروع می‌کنم. آن چه

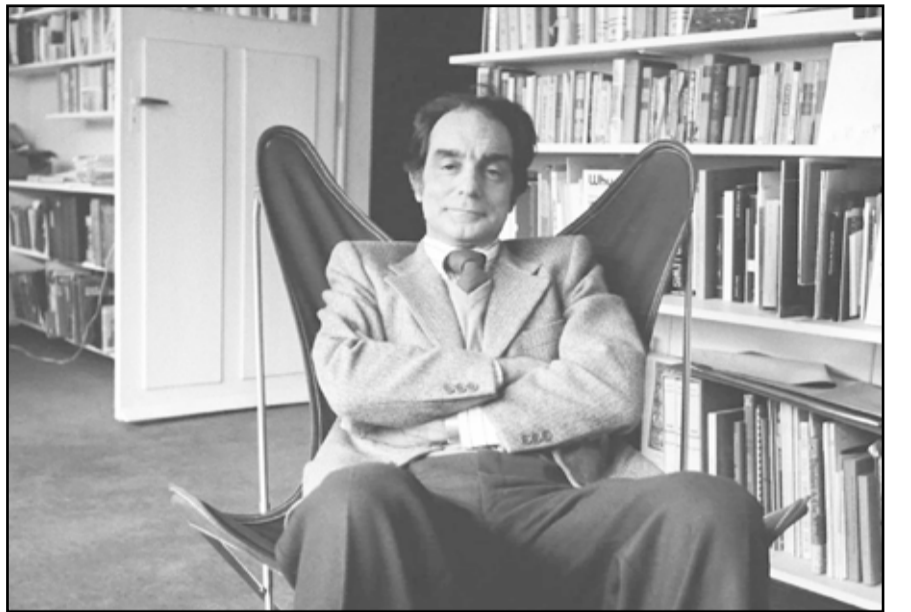
بارز نوشته‌های او از هر سنجی که باشد «کالوینویی» بودن آن هاست چرا که سبک و سیاق خاص او در تمامی آثارش به چشم می‌خورد.  
کالوینو نویسنده‌ای مبدع و نوآور است. خلاقیت او در قصه‌نویسی از موضوع داستان تا طرح و چگونگی پرداخت آن اعجاب‌آور است. رولان بارت او را با بورخس دو خط موازی تشبیه کرده و از کالوینو به عنوان نویسنده پست‌مدرن نام می‌برد. او نویسنده‌ای است که جایی چنان روشن همه چیز را به طنز می‌گیرد و جایی جهانی خلق می‌کند. سراسر ابهام و رمز و راز و تأثیر آن‌ها در طبیعت‌گرایی آثار این نویسنده کاملاً مشهود است.  
کالوینو تا ۵ سالگی را در کوباز پست و سپس به ایتالیا رفت. در سال ۱۹۴۵ به نهضت مقاومت پیوست و سپس عضو حزب کمونیست ایتالیا شد. او در ۱۹۴۷ با نوشتن پایان‌نامه‌ای درباره جوزف کنراد در رشته ادبیات تطبیقی فارغ‌التحصیل شد. در آن سال‌ها با الیویوتورینی و ناتالیا گینزبورگ آشنا شد. این دو بعدها در زمره بهترین و نزدیک‌ترین دوستان کالوینو درآمدند. مرگ و تیرورینی تأثیر ژرفی بر روحیات کالوینو گذاشت.  
ایتالو کالوینو در دهه ۱۹۶۰ به زادگاهش کوباز رفت و در سفری کوتاه در هاوانا با رنستو چه‌گوارا دیدار کرد.  
این نویسنده نامدار ایتالیایی در پایان دهه ۱۹۶۰ به همراه ویتورینی نشریه معتبر (مانبو) را منتشر کرد و عضویت در کارگاه داستان‌نویسی (اولیپسو) را پذیرفت و از این طریق با رمون کنونیوز دوستی و آشنایی پیدا کرد.  
کالوینو از پایان همین دهه (۶۰ میلادی) با حفظ سبک اصلی و طنز خاص خود روی به ادبیات علمی-تخیلی و فانتزی آورد داستان‌هایی چون مار کووالدو، کم‌دی‌های کپهانی و شهرهای نامرئی را نوشت. کالوینو در طول حیات ادبی خود در ژانرهای گوناگونی قلم زده است، داستان کوتاه، رمان، مقاله و رساله علمی و ادبی نوشته و تحقیقات فراوانی کرده است. مشخصه



شهریار وقتی بود

«ایتالو کالوینو» در گفت‌وگو با «پاریس ری‌ویو» از سبک و سیاق رمان نویسان می‌گوید:

# بیان بخشی از حقیقت نهان در پسِ دروغ



**من حقیقتی را می‌پسندم که در آثار نویسندگان‌هایی است که خودشان را یک دروغ‌گوی بزرگ می‌نمایانند**

بارز نوشته‌های او از هر سنجی که باشد «کالوینویی» بودن آن هاست چرا که سبک و سیاق خاص او در تمامی آثارش به چشم می‌خورد.

کالوینو نویسنده‌ای مبدع و نوآور است. خلاقیت او در قصه‌نویسی از موضوع داستان تا طرح و چگونگی پرداخت آن اعجاب‌آور است. رولان بارت او را با بورخس دو خط موازی تشبیه کرده و از کالوینو به عنوان نویسنده پست‌مدرن نام می‌برد. او نویسنده‌ای است که جایی چنان روشن همه چیز را به طنز می‌گیرد و جایی جهانی خلق می‌کند. سراسر ابهام و رمز و راز و تأثیر آن‌ها در طبیعت‌گرایی آثار این نویسنده کاملاً مشهود است.  
کالوینو تا ۵ سالگی را در کوباز پست و سپس به ایتالیا رفت. در سال ۱۹۴۵ به نهضت مقاومت پیوست و سپس عضو حزب کمونیست ایتالیا شد. او در ۱۹۴۷ با نوشتن پایان‌نامه‌ای درباره جوزف کنراد در رشته ادبیات تطبیقی فارغ‌التحصیل شد. در آن سال‌ها با الیویوتورینی و ناتالیا گینزبورگ آشنا شد. این دو بعدها در زمره بهترین و نزدیک‌ترین دوستان کالوینو درآمدند. مرگ و تیرورینی تأثیر ژرفی بر روحیات کالوینو گذاشت.  
ایتالو کالوینو در دهه ۱۹۶۰ به زادگاهش کوباز رفت و در سفری کوتاه در هاوانا با رنستو چه‌گوارا دیدار کرد.  
این نویسنده نامدار ایتالیایی در پایان دهه ۱۹۶۰ به همراه ویتورینی نشریه معتبر (مانبو) را منتشر کرد و عضویت در کارگاه داستان‌نویسی (اولیپسو) را پذیرفت و از این طریق با رمون کنونیوز دوستی و آشنایی پیدا کرد.  
کالوینو از پایان همین دهه (۶۰ میلادی) با حفظ سبک اصلی و طنز خاص خود روی به ادبیات علمی-تخیلی و فانتزی آورد داستان‌هایی چون مار کووالدو، کم‌دی‌های کپهانی و شهرهای نامرئی را نوشت. کالوینو در طول حیات ادبی خود در ژانرهای گوناگونی قلم زده است، داستان کوتاه، رمان، مقاله و رساله علمی و ادبی نوشته و تحقیقات فراوانی کرده است. مشخصه

چاره‌ای جز لال‌مانی گرفتن ندارد و شاید اگر آن منتقدان که در آن برهه، سنگین‌ترین انتقادات را به کالوینو وارد کردند، امروز زنده بودند و با پدیده کرونا مواجه می‌شدند، نه تنها حرف‌های‌شان را پس می‌گرفتند، بلکه کالوینو را تحسین می‌کردند. او به لحاظ نوع سبک نوشتاری با جزئی‌نگری بی‌مثال و علمی‌خوبش به بیان جزئی‌ترین مسائل می‌پردازد. اگر چه به زعم عده‌ای از منتقدان این جزئی‌نگری در جاهایی به واقع نویسنده‌اناری نظیر آق‌ای پالومار، شی از شب‌های زمستان مسافری، مورچه در یک روز ناظر انتخاباتی، مورچه آرژانتینی، بارون درخت‌نشین و... اکنون از آن چه که بر او گذشته بر ایمان خواهد گفت. او در «مورچه آرژانتینی» که بیش از یک دهه پیش به همت نشر کاروان و با ترجمه شهریار آق‌ای وقتی پور به بازار نشر عرضه شد، با هجوم مورچه‌ها به شهر و تقابل آن‌ها با انسان‌ها به نوعی تروآتی‌تر از در کنار هم گنجانده نبردی که در طبقات متمول حسی به بقای مورچه‌ها نیز کمک می‌کرد؛ اما او با به خطر انداختن جایگاه انسان سعی داشت تا هشداری در مورد وضعیت وخیم جهان کنونی دهد و به نوعی با استفاده از نماد و تمثیل در جایگاه یک پیشگورنگ خطر افول انسان و انسانیت را به صدا درآورد. هر چند که مورچه آرژانتینی به نوعی با راهی مصلحتی انسان‌ها به پایان می‌رسد، اما ادامه همدارهای کالوینو را نسبت به وضع موجود جهانی در «مه‌دود» و «یک روز ناظر انتخاباتی» می‌توان مشاهده کرد.

مورچه آرژانتینی وضعیت انسان‌ها به عنوان موجودی ناتوان، اسیر و در مانده به تصویر می‌کشد. در زمانی که این کتاب منتشر شد، بسیاری از منتقدان به کالوینو انتقاداتی مبنی بر آنکه چرا رویکردی ناتورالیستی را در این اثر اعمال کرده است و انسان را موجودی تحت‌تأثیر جبر و تقدیر دانسته، وارد کردند. اما اگر آن نگاه کالوینو را در مورد فعلی (عصر کرونا) که در آن قرار داریم، بسنجیم می‌بینیم که کالوینو آن چنان هم بی‌راه نگفته است. مردمانی که در مقابله با یک ویروس در سرتاسر جهان در مانده‌اند و بر قدرت‌هایی که در روزگار غیر کرونا بی‌قدرت برای یکدیگر خط و نشان می‌کشیدند، حال از کشف یک واکسن عاجز مانده‌اند. طبقات اقتصادی اعم از پرولتاریا و بورژوازی همگی دستان خود را به نشانه تسلیم در مقابل کرونا بالا گرفته‌اند و جهانی که به واسطه تکثیر اپیدمی کرونا

چاره‌ای جز لال‌مانی گرفتن ندارد و شاید اگر آن منتقدان که در آن برهه، سنگین‌ترین انتقادات را به کالوینو وارد کردند، امروز زنده بودند و با پدیده کرونا مواجه می‌شدند، نه تنها حرف‌های‌شان را پس می‌گرفتند، بلکه کالوینو را تحسین می‌کردند. او به لحاظ نوع سبک نوشتاری با جزئی‌نگری بی‌مثال و علمی‌خوبش به بیان جزئی‌ترین مسائل می‌پردازد. اگر چه به زعم عده‌ای از منتقدان این جزئی‌نگری در جاهایی به واقع نویسنده‌اناری نظیر آق‌ای پالومار، شی از شب‌های زمستان مسافری، مورچه در یک روز ناظر انتخاباتی، مورچه آرژانتینی، بارون درخت‌نشین و... اکنون از آن چه که بر او گذشته بر ایمان خواهد گفت. او در «مورچه آرژانتینی» که بیش از یک دهه پیش به همت نشر کاروان و با ترجمه شهریار آق‌ای وقتی پور به بازار نشر عرضه شد، با هجوم مورچه‌ها به شهر و تقابل آن‌ها با انسان‌ها به نوعی تروآتی‌تر از در کنار هم گنجانده نبردی که در طبقات متمول حسی به بقای مورچه‌ها نیز کمک می‌کرد؛ اما او با به خطر انداختن جایگاه انسان سعی داشت تا هشداری در مورد وضعیت وخیم جهان کنونی دهد و به نوعی با استفاده از نماد و تمثیل در جایگاه یک پیشگورنگ خطر افول انسان و انسانیت را به صدا درآورد. هر چند که مورچه آرژانتینی به نوعی با راهی مصلحتی انسان‌ها به پایان می‌رسد، اما ادامه همدارهای کالوینو را نسبت به وضع موجود جهانی در «مه‌دود» و «یک روز ناظر انتخاباتی» می‌توان مشاهده کرد.

مورچه آرژانتینی وضعیت انسان‌ها به عنوان موجودی ناتوان، اسیر و در مانده به تصویر می‌کشد. در زمانی که این کتاب منتشر شد، بسیاری از منتقدان به کالوینو انتقاداتی مبنی بر آنکه چرا رویکردی ناتورالیستی را در این اثر اعمال کرده است و انسان را موجودی تحت‌تأثیر جبر و تقدیر دانسته، وارد کردند. اما اگر آن نگاه کالوینو را در مورد فعلی (عصر کرونا) که در آن قرار داریم، بسنجیم می‌بینیم که کالوینو آن چنان هم بی‌راه نگفته است. مردمانی که در مقابله با یک ویروس در سرتاسر جهان در مانده‌اند و بر قدرت‌هایی که در روزگار غیر کرونا بی‌قدرت برای یکدیگر خط و نشان می‌کشیدند، حال از کشف یک واکسن عاجز مانده‌اند. طبقات اقتصادی اعم از پرولتاریا و بورژوازی همگی دستان خود را به نشانه تسلیم در مقابل کرونا بالا گرفته‌اند و جهانی که به واسطه تکثیر اپیدمی کرونا

چاره‌ای جز لال‌مانی گرفتن ندارد و شاید اگر آن منتقدان که در آن برهه، سنگین‌ترین انتقادات را به کالوینو وارد کردند، امروز زنده بودند و با پدیده کرونا مواجه می‌شدند، نه تنها حرف‌های‌شان را پس می‌گرفتند، بلکه کالوینو را تحسین می‌کردند. او به لحاظ نوع سبک نوشتاری با جزئی‌نگری بی‌مثال و علمی‌خوبش به بیان جزئی‌ترین مسائل می‌پردازد. اگر چه به زعم عده‌ای از منتقدان این جزئی‌نگری در جاهایی به واقع نویسنده‌اناری نظیر آق‌ای پالومار، شی از شب‌های زمستان مسافری، مورچه در یک روز ناظر انتخاباتی، مورچه آرژانتینی، بارون درخت‌نشین و... اکنون از آن چه که بر او گذشته بر ایمان خواهد گفت. او در «مورچه آرژانتینی» که بیش از یک دهه پیش به همت نشر کاروان و با ترجمه شهریار آق‌ای وقتی پور به بازار نشر عرضه شد، با هجوم مورچه‌ها به شهر و تقابل آن‌ها با انسان‌ها به نوعی تروآتی‌تر از در کنار هم گنجانده نبردی که در طبقات متمول حسی به بقای مورچه‌ها نیز کمک می‌کرد؛ اما او با به خطر انداختن جایگاه انسان سعی داشت تا هشداری در مورد وضعیت وخیم جهان کنونی دهد و به نوعی با استفاده از نماد و تمثیل در جایگاه یک پیشگورنگ خطر افول انسان و انسانیت را به صدا درآورد. هر چند که مورچه آرژانتینی به نوعی با راهی مصلحتی انسان‌ها به پایان می‌رسد، اما ادامه همدارهای کالوینو را نسبت به وضع موجود جهانی در «مه‌دود» و «یک روز ناظر انتخاباتی» می‌توان مشاهده کرد.

مورچه آرژانتینی وضعیت انسان‌ها به عنوان موجودی ناتوان، اسیر و در مانده به تصویر می‌کشد. در زمانی که این کتاب منتشر شد، بسیاری از منتقدان به کالوینو انتقاداتی مبنی بر آنکه چرا رویکردی ناتورالیستی را در این اثر اعمال کرده است و انسان را موجودی تحت‌تأثیر جبر و تقدیر دانسته، وارد کردند. اما اگر آن نگاه کالوینو را در مورد فعلی (عصر کرونا) که در آن قرار داریم، بسنجیم می‌بینیم که کالوینو آن چنان هم بی‌راه نگفته است. مردمانی که در مقابله با یک ویروس در سرتاسر جهان در مانده‌اند و بر قدرت‌هایی که در روزگار غیر کرونا بی‌قدرت برای یکدیگر خط و نشان می‌کشیدند، حال از کشف یک واکسن عاجز مانده‌اند. طبقات اقتصادی اعم از پرولتاریا و بورژوازی همگی دستان خود را به نشانه تسلیم در مقابل کرونا بالا گرفته‌اند و جهانی که به واسطه تکثیر اپیدمی کرونا



فرزاد کریمی، مترجم و منتقد

مردی بلندقد با صورتی تکیده و چشمانی عادی که از گریایی خاصی هم برخوردار نبود، کلاهی که به نشانه احترام از سر برمی‌داشت و در زمان مصاحبه آن را کنار دستش می‌گذاشت، پالتویی بلند که آدمی را به یاد تیپ‌های کلاسیک ایتالیایی می‌انداخت. نویسنده‌اناری نظیر آق‌ای پالومار، شی از شب‌های زمستان مسافری، مورچه در یک روز ناظر انتخاباتی، مورچه آرژانتینی، بارون درخت‌نشین و... اکنون از آن چه که بر او گذشته بر ایمان خواهد گفت. او در «مورچه آرژانتینی» که بیش از یک دهه پیش به همت نشر کاروان و با ترجمه شهریار آق‌ای وقتی پور به بازار نشر عرضه شد، با هجوم مورچه‌ها به شهر و تقابل آن‌ها با انسان‌ها به نوعی تروآتی‌تر از در کنار هم گنجانده نبردی که در طبقات متمول حسی به بقای مورچه‌ها نیز کمک می‌کرد؛ اما او با به خطر انداختن جایگاه انسان سعی داشت تا هشداری در مورد وضعیت وخیم جهان کنونی دهد و به نوعی با استفاده از نماد و تمثیل در جایگاه یک پیشگورنگ خطر افول انسان و انسانیت را به صدا درآورد. هر چند که مورچه آرژانتینی به نوعی با راهی مصلحتی انسان‌ها به پایان می‌رسد، اما ادامه همدارهای کالوینو را نسبت به وضع موجود جهانی در «مه‌دود» و «یک روز ناظر انتخاباتی» می‌توان مشاهده کرد.

مورچه آرژانتینی وضعیت انسان‌ها به عنوان موجودی ناتوان، اسیر و در مانده به تصویر می‌کشد. در زمانی که این کتاب منتشر شد، بسیاری از منتقدان به کالوینو انتقاداتی مبنی بر آنکه چرا رویکردی ناتورالیستی را در این اثر اعمال کرده است و انسان را موجودی تحت‌تأثیر جبر و تقدیر دانسته، وارد کردند. اما اگر آن نگاه کالوینو را در مورد فعلی (عصر کرونا) که در آن قرار داریم، بسنجیم می‌بینیم که کالوینو آن چنان هم بی‌راه نگفته است. مردمانی که در مقابله با یک ویروس در سرتاسر جهان در مانده‌اند و بر قدرت‌هایی که در روزگار غیر کرونا بی‌قدرت برای یکدیگر خط و نشان می‌کشیدند، حال از کشف یک واکسن عاجز مانده‌اند. طبقات اقتصادی اعم از پرولتاریا و بورژوازی همگی دستان خود را به نشانه تسلیم در مقابل کرونا بالا گرفته‌اند و جهانی که به واسطه تکثیر اپیدمی کرونا